

علویان سوریه در جدال با خرافات و غلو



از جمله موضوعاتی که همواره در معرض برداشت‌های متعدد بوده و گاهی نیز دچار انشعابات و واگرایی‌های بی‌شمار شده، دین است و دلایل مختلفی از قبیل جهالت، خرافات، تعصبات و اغراض شخصی در این برداشت‌ها و انشعابات دینی دخیل بوده که با مسدود کردن راه تشخیص درست، حقیقت جویان را در ورطه شک و تردید گرفتار کرده است.

از جمله موضوعاتی که همواره در معرض برداشت‌های متعدد بوده و گاهی نیز دچار انشعابات و واگرایی‌های بی‌شمار شده، دین است و دلایل مختلفی از قبیل جهالت، تعصبات و اغراض شخصی در این برداشت‌ها و انشعابات دینی دخیل بوده که با مسدود کردن راه تشخیص درست، حقیقت جویان را در ورطه شک و تردید گرفتار کرده است.

مذهب شیعه نیز از این بلایا مصون نمانده، به گونه‌ای که علمای دینی فرق منشعب از شیعه را تا 72 فرقه برشمرده‌اند. علویه از فرقه‌های منتسب از مذهب شیعه با گرایش‌های غالیانه است و پیروان آن در خاورمیانه پراکنده‌اند. سوریه از کشورهایی است که جمعیت قابل توجهی از علویان را دارد و آنان با گذشت بیش از هزار سال توانسته‌اند موجودیت خود را حفظ کنند و حدود چهار دهه نیز بر آن حکومت کنند.

پیدایش علویان

در مورد بروز و ظهور این فرقه نظرات و اقوال مختلفی هست که ذیلاً ابتدا به معنای لغوی آن و سپس به تاریخچه مختصری از چگونگی به وجود آمدن این فرقه می‌پردازیم. فرهنگ معین واژه علویان را این‌گونه تعریف کرده است: «نصیری یا علویه یا علویان: متکلمان شیعه و سنی درباره نصیری و عقاید آنان مطالب متناقضی نوشته‌اند. از نوشته بعضی قدما و متکلمان برمی‌آید که این فرقه از پیروان عبدالله بن سبأ هستند و بعضی آنان را از فرق زیدیه به شمار می‌آورند. بعضی نوشته‌اند فرقه‌ای از غلاة هستند و معتقدند حق تعالی در ذات امیرالمؤمنین علی(ع) حلول کرده و گویند ظهور روحانی در جسمانی، مطلبی است غیر قابل انکار؛ مانند ظهور جبرئیل به صورت دحیه کلبی و چون علی و اولادش از دیگر معصومان برترند و وابسته به اسرار ربانی و مؤید به تأیید الهی هستند، حق به صورت علی ظهور کرد. بعضی نوشته‌اند نصیری، تابع محمد بن نصیر نمیری‌اند و او امام علی‌النقی را رب و خود را مرسّل از طرف او خواند. بعضی گویند نام فرقه‌ای است که به نبوت محمد بن نصیر معتقدند. امروز گروهی از نصیری در شمال سوریه سکونت دارند. بعد از کشتاری که ترک‌ها از علویان کردند، نام علویان به نصیری بدل شد و بعد از 412 سال، یعنی پس از پایان جنگ جهانی در 1918م، دوباره این فرقه نام علویان به خود نهادند. در «المنجد» نیز درباره آنان این‌گونه آمده است: «نصیری یا علویان که در جبل علویان و شمال سوریه ساکن‌اند، منسوب به محمد بن نصیرند و بزرگ‌ترین متکلم آنها المصیبی است.»

محمد بن نصیر نمیری از اصحاب امام حسن عسکری(ع) بود. وی پس از شهادت امام به ایشان جفا کرد و با غالی‌گری منکر امامت ایشان شد و امام را به درجه ربوبیت رسانید و خود را پیامبر وی دانست. پیروان محمد بن نصیر به همان سرعت که گسترش پیدا کردند، پس از مدتی از بین رفتند و البته علویان امروزه خود را منتسب به این شخص نمی‌دانند و پیروان او را نیز «نصیری» می‌خوانند.

علویان سوریه معتقدند پس از بروز جنگ‌های صلیبی در سال‌های 488 و 690 اعقاب آنان به کوه‌های نصیره در سوریه پناه آوردند و امویان به منظور تحقیر ایشان را «نصیری» نامیدند و نام نصیری به این طریق رایج شد. پس از تصرف کوه‌های یاد شده از سوی جمعیتی به نام «نصره» و سکونت آنها، این مکان «نصیره» نامیده شد و برخی نیز معتقدند نصیره به این دلیل خوانده می‌شود که آنان از احفاد و انصار شیعیان حضرت علی(ع) بودند که از ظلم و جور حکومت عثمانی به این مناطق پناه آوردند. «تعالم نصیری عبارت است از التقاط عناصر شیعه و مسیحیت و معتقدات مردم ایران پیش از اسلام. به عقیده ایشان خدا ذات یگانه‌ای است مرکب از سه اصل لایتجزی به نام‌های معنی، اسم و باب. این تثلیث به نوبت در وجود انبیا مجسم و متجلی شده که آخرین تجسم با ظهور اسلام مصادف شد و آن ذات یگانه در تثلیث لایتجزایی در وجود علی و محمد و سلمان تجسم یافت. به این سبب تثلیث مزبور را با حروف عمس معرفی کردند که اشاره بر حروف اول این اسامی دارد.»

در مورد اعتقادات علویان سوریه دو دیدگاه مطرح است؛ اول این که علویان سوریه از بقایای اندیشه محمد بن نصیر نمیر با همان افکار غالیانه یا از باقیمانده شیعیان مورد ظلم صلاح‌الدین ایوبی هستند زیرا پس از قتل عام و تار و مار حدود 6000 شیعه در اطراف حلب توسط صلاح‌الدین، شیعیانی که از پیروان مذهب اهل بیت(ع) بودند از ترس ایوبیان به کوه و کمر پناه بردند و وجه تمایز آنها از بقیه مسلمانان آن عصر اعتقاد به خلافت حضرت علی(ع) بود. لذا به نام «علوی» معروف شدند.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که بین علویان شکاف‌های زبانی و قومی متعددی وجود دارد زیرا که از یک گروه خاص و هم نژاد نیستند. گروه‌های زبانی ترکی، عربی، زازا و کرمانجی بین آنها دیده می‌شود که دو گروه آخر از شاخه زبان فارسی و گویش کردی هستند.

علویان سوریه نیز همانند دیگر علویان خاستگاه خود را به یک نژاد قبیله‌ای عرب نسبت می‌دهند. این جماعت بتدریج طی قرن دهم در جبل انصاریه نزدیک لاذقیه مستقر شدند و در حال حاضر نیز شهر لاذقیه و بندر طرطوس از جمله مناطق اصلی آنهاست.

و عواملی چون فرآیند شهرنشینی و افزایش شمار علویان در امور شبکه‌های تصمیم‌گیری سیاسی و نظامی نسبت به حضور آنان در سایر مناطق این کشور بویژه دمشق موثر بوده است. از نظر آماری علویان سوریه را حدود 12 تا 15 درصد تخمین می‌زنند که البته متنقدترین گروه در ساختار سوریه محسوب می‌شوند. طی نیم قرن اخیر بسیاری از علمای شیعه با تلاش و کوشش فراوان توانستند جماعت علویان سوریه را به دامن تشیع راستین برگردانند و در نتیجه علمای بزرگ سوریه امروزه خود را رسماً شیعه اثنی‌عشری می‌دانند و معتقدند با شیعیان هیچ فرقی ندارند. بین سه گرایش علویان سوریه، ترکیه و علویان ایران که به علی‌اللهی یا اهل حق معروفند، می‌توان گفت علویان سوریه از نظر اعتقادی به شیعیان نزدیک‌ترند. زیرا آنها برخلاف برخی اسلاف خود غلو درباره برخی ائمه اطهار را مردود می‌دانند، همچنین حلول و تناسخ را رد می‌کنند و خود را امامیه شیعه اثنی‌عشری می‌دانند. گروهی از شیوخ و رجال مذهبی علوی سال 1936 با انتشار اعلامیه‌ای علویان را در شمار مسلمانان معرفی کردند و تاکید کردند آنچه علیه آنان انتشار یافته، عقاید باطل و غلطی است که از سوی استعمار و یهود به آنها نسبت داده شده است.

استقلال علویان در سال 1920 با کمک دولت فرانسه - که قیمومیت سوریه را به عهده گرفته بود - صورت گرفت. فرانسه که دنبال بهره‌برداری از ماهیت چند مذهبی سوریه بود به علویان ساکن در جبال انصاریه خودمختاری و سال 1922 به آنها استقلال کامل داد که تا پایان 1924 ادامه یافت. این اقدام نقطه عطفی بود که وضع علویان را نسبت به گذشته تغییر داد، هرچند این استقلال در چارچوب اشغال خارجی و تحت حمایت دولت فرانسه صورت گرفت ولی برای جمعیت علوی مذهب محصور در ارتفاعات - که در مواجهه مدام با اهل سنت، دروزی‌ها و حتی اسماعیلیان به سر می‌برد - سرآغاز استخلاص سرزمینی و سیاسی تلقی می‌شد؛ استخلاصی که زمینه آن را پیشرفت‌های اقتصادی فراهم کرده بود. این تحول اقتصادی موجب شد دهقانان علوی از کوه‌ها به سوی دشت‌ها سرازیر شده، بتدریج شهرنشین شوند. حضور در ارتش، دستگاه‌های امنیتی و حزب بعث از دیگر فرصت‌ها و موفقیت‌هایی بود که علویان توانستند در سایه حمایت دولت فرانسه به آن دست یابند و به این سان، برای تصرف قدرت و سلطه بر حکومت، خود را آماده سازند. سال 1970 ژنرال حافظ اسد طی کودتایی با کنار زدن دیگر مدعیان قدرت توانست پست ریاست جمهوری را که تا آن زمان صرفاً دست اهل سنت بود، از آن خود کند. ژنرال اسد در سال‌های نخستین حکومتش از دیگر اقلیت‌های مذهبی نیز برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرد اما به طور کلی علویان بر حکومت سیطره یافتند. پس از روی کار آمدن حافظ اسد، 10 تا 12 درصد علوی حاشیه‌نشین، کم‌کم به عرصه سیاست کشیده شدند و برای اولین بار در تاریخ توانستند در رأس باشند و این حضور قدرتمند علویان حیرت بسیاری از سیاستمداران را برانگیخت. دنیل پیپس در این باره می‌نویسد: «حکومت یک علوی در سوریه چنان بی‌سابقه و تکان‌دهنده است که گویی یک فرد گمنام و بی‌اصالت در هندوستان، مهاراجه یا یک یهودی در روسیه تزار شده است.» در حقیقت علویان هرگز در پی آن نبوده‌اند که تمام جامعه سوریه را به کیش خود درآورند و تنها به رهبری و حاکمیت بر آن بسنده کرده‌اند.

منابع:

برنجکار، رضا. آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی. قم: موسسه فرهنگی طه، 1378.

مشکور، محمدجواد. تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی. انتشارات اشراقی، 1368.

مشکور، محمدجواد. فرهنگ فرق اسلامی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، 1372.

rasekhoon.net

www.irdiplomacy.i

http://www.shafaqna.com

www.pasokhgoo.ir

news.com - www.shia

fa.wikipedia.org

اکرم شفیع‌پور / جام‌جم